

اندیشه سیاسی فدائیان اسلام و علل پیدایش آن

سید رضا موسوی^۱، سجاد کامالی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

چکیده:

«جمعیت فدائیان اسلام» یکی از مهم‌ترین گروه‌های سیاسی در دهه ۲۰ و ۳۰ و از تاثیرگذارترین گروه‌های سیاسی ایران معاصر است. این گروه ضمن آنکه دارای منظومه‌های فکری در ابعاد مختلف بود، فعالیت سیاسی و اجتماعی در زمینه‌های گوناگون نیز داشت. از این رو، این سؤال طرح می‌شود که فعالیتهای سیاسی و اجتماعی این جمعیت آیا ناشی از یک اندیشه مشخص و نقشه راهی از پیش تعیین شده است؟ آیا می‌توان گفت که کنشهای این گروه از اندیشه‌هایشان نشئت می‌گیرد؟ در این پژوهش تلاش می‌شود با تکیه بر نظریه ادواری جنبش‌های اسلامی هراییر دکمچیان و تعریف لئو اشتراوس از اندیشه سیاسی به این سؤالات پاسخ داده شود. بنابراین، کنشها و فعالیتهای این جمعیت مانند اعدام انقلابی به مثابه دفاع، ترساندن دشمنان، تاکید بر کارگزار به جای ساختار، اسلامگرایی، سوسیالیسم اسلامی، نظام تعلیم و تربیت دینی، اصلاح نهاد دین، مخالفت با مشروبات الکلی، انطباق اسلام با دولت مدرن، عدالت‌گرایی و کمک به محرومین، اتحاد مسلمین، آرمانشهر اسلامی و مبارزه با کمونیسم بررسی شده و بحران‌هایی که موجب پیدایی اندیشه سیاسی فدائیان اسلام شده است، تحلیل می‌شود. روش پژوهش در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است.

واژگان اصلی: فدائیان اسلام، نواب صفوی، نهضت ملی شدن نفت، اسلامگرایی، جنبش اسلامی، نظریه

ادواری، بحران هویت

۱. عضو هیات علمی، دانشگاه تهران، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، گروه تخصصی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران، ایران

s_rezamousavi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

kamali.sajad78@gmail.com

۱- مقدمه

اندیشه‌های سیاسی به مثابه یک راهنمای راه، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی را جلو می‌برد و به آن‌ها دستور می‌دهد که چه واکنشی به اتفاقات و وقایع سیاسی و اجتماعی بدهند. همه انقلاب‌ها و جنبش‌ها و جریان‌ها متأثر از اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی بودند که در آن عصر توانستند همه گیر شوند و نخبگان و توده‌ها را به عرصه کنش سیاسی و اجتماعی بکشانند.

جمعیت فدائیان اسلام یکی از مهمترین گروه‌ها و احزاب سیاسی ایران در دو دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و مهمترین سازمان سیاسی-مذهبی آن دوره می‌باشد. این جمعیت توسط روحانی جوانی به نام سیدمجتبی نواب صفوی (۱۳۰۳-۱۳۳۴) در سال ۱۳۲۴ پایه گذاری شد و در جریان نهضت ملی شدن نفت ایران بسیار موثر بود. این جمعیت دست به چند اقدام نظامی مثل اعدام‌های انقلابی زد و از سویی دیگر در بسیج عمومی مردم در جریان انتخابات مجلس شانزدهم شورای ملی، از عوامل اصلی بود. با وجود این که از اقشار مختلفی درون جمعیت فدائیان اسلام حضور داشتند، اعضای این جمعیت بیشتر از کاسبان خرده پا، طلاب و طبقات فرودست بودند.

این جمعیت نخستین گروهی بود در ایران که مانیفست و برنامه حکومت منتشر کرد و سعی در بازتعریف اندیشه‌های مسلط جامعه داشت. آن‌ها اولین گروهی بودند که شعار حکومت اسلامی را در ایران طرح کردند و برای برپایی آن از هیچ اقدامی اعم از مبارزه پارلمانی، مبارزه مسلحانه، آموزش دینی و... دریغ نکردند. البته جمعیت فدائیان اسلام، یک حزب ساختارمند و دارای تشکیلات نبود بلکه به صورت هیئتی اداره می‌شد. تمام افراد عضو در جمعیت فدائیان اسلام، تحت تاثیر ویژگی‌های کاریزماتیک و فرهمند رهبر این جمعیت شهید نواب صفوی بودند و نواب علاوه بر نقش رهبری، نقش ایدئولوگ را هم برعهده داشت. کتاب *رهنمای حقایق* یا مانیفست فدائیان اسلام به دست او نوشته شد و دیگر اعلامیه‌های جمعیت یا به دست او یا زیر نظر او تهیه می‌شد.

در این مقاله به این نکات خواهیم پرداخت که سیدمجتبی نواب صفوی با مطرح کردن ضرورت دفاع، اعدام‌های انقلابی را موجه نشان داد و آن را راهی برای ترساندن دشمنان بیان کرد. نواب بر نقش کارگزار تاکید داشت و به ساختار بهایی نمی‌داد. وی بر ضرورت اسلامی شدن حکومت و اجرای احکام دینی تاکید داشت و اصالت را به مبارزه می‌داد. نواب معتقد بود تنها راه نجات، اجرای قوانین اسلام و قرآن است و با قانونگذاری مخالفت می‌کرد. وی مروج سوسیالیسم اسلامی خاص تفکر خودش بود و می‌خواست انطباق اسلام را با تشکیلات جدید نشان دهد. او

مخالف و وطنخواهی نبود اگرچه اسلامگرایی را اصل قرار داده بود. نواب برای تعلیم و تربیت اهمیت خاصی قائل بود و مخالفت شدید خود را با مشروبات الکلی، بی‌حجابی و موسیقی ابراز می‌کرد. وی علاوه بر اصلاح وزارتخانه‌ها و حکومت، دنبال اصلاح نهاد دین هم بود. وی در رهنمای حقایق به تحلیل ریشه‌های فساد در جامعه پرداخت و آرمانشهر خود را به تصویر کشید هرچند در این آرمانشهر، اصل سلطنت را رد نکرد. او به ضرورت مبارزه با کمونیست‌ها تاکید داشت. نواب دولت را در جامعه محور قرار داده بود و دنبال برقراری عدالت بود. او با هرگونه خارجی غیرمسلمان مخالف بود و طرفدار اتحاد مسلمانان بود.

این پژوهش سعی بر این دارد که اندیشه سیاسی، یعنی مبنای عملکرد و طرز تلقی جمعیت فدائیان اسلام را نسبت به حکومت آرمانی براساس تعریف لئو اشتراوس از اندیشه سیاسی نشان دهد و تحلیلی از چگونگی ایجاد این گروه براساس نظریه ادواری هرایر دکمجیان ارائه دهد. بنابراین سوالات اصلی و فرعی این پژوهش این است: ۱- فدائیان اسلام چه تلقی نسبت به حکومت و سیاست داشتند؟ ۲- اندیشه‌های فدائیان اسلام واکنش به چه چیزی بود؟ در تحلیل چگونگی پیدایش جمعیت فدائیان اسلام از روش تلفیقی توصیفی-تحلیلی استفاده می‌کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، منابع جدیدی منتشر شدند که ضرورت پژوهش دوباره فدائیان اسلام را ضروری ساخته است. زیرا اطلاعات و تحلیلهای موجود در این آثار فهم جدیدی را به ما می‌دهد که هم افزایی آنها، در تحلیل‌های جدید نمود پیدا می‌کند.

یکی از این آثار از سیدحسین خوش نیت است که در کتاب *سیدمجتبی نواب صفوی اندیشه‌ها، مبارزات و شهادت او می‌نویسد*: «اندیشه او این بود که اسلام و معارف آسمانی مانند خورشید فراگیر است.» (خوش نیت، ۱۳۶۰: ۲۰۹) حمید عنایت نیز در *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر* معتقد است که فدائیان اسلام «به معنای واقعی کلمه غیرروشنفکر بودند.» و این خصلت، به آنها در تاریخ مبارزات گروه‌های مذهبی در ایران مقامی ممتاز بخشیده است. (عنایت، ۱۳۶۲: ۱۷۱) علیرضا ملایی توانی در مقاله «آسیب شناسی یک جنبش: تاملی در اندیشه و عمل جمعیت فداییان اسلام»، معتقد بود که تغییر مد نظر فدائیان اسلام یک تغییر تعادلی و اصلاح گرایانه بوده است و آنها سعی کردند که به طور کلی همه ابعاد جامعه را تحت تاثیر خود قرار دهند و

سازمان‌های اجتماعی را به لحاظ شکل و محتوا متحول کنند. (ملایی توانی، ۱۳۷۹: ۲۹۰) داوود امینی در کتاب *جمعیت فدائیان اسلام و نقش آن در تحولات سیاسی اجتماعی ایران* معتقد است که فدائیان اسلام به طور غیرمستقیم در آرمان‌های خودشان متأثر از سیدجمال‌الدین اسدآبادی بودند و در راستای تداوم حرکت او گام برمی‌داشتند. (امینی، ۱۳۸۱: ۴۸) فاطمه غلامی مقدم در مقاله «اندیشه سیاسی فدائیان اسلام» تنها علت پیدایش و شکل‌گیری فدائیان اسلام را مبارزه جریان دینی جامعه با فتنه کسروی و جریان انحرافی در جامعه می‌داند. (غلامی مقدم، ۱۳۸۳: ۱۰۶) عبدالوهاب فراتی در مقاله «رادیکیالیسم اسلامی در ایران معاصر: شهید نواب صفوی و جمعیت فدائیان اسلام»، فدائیان اسلام را نماینده رادیکیالیسم تکلیف‌گرا در ایران می‌داند. (فراتی، ۱۳۸۳: ۲۱۱) مضاف بر اینکه دیدگاه او را در *رهنمای حقایق* مشابه دیدگاه امام خمینی (ره) در *کشف الاسرار* قلمداد می‌کند که فساد و رواج بی‌دینی را معلول مدرن شدن و نظام منحنط شاهنشاهی بیان می‌کند. (همان: ۲۱۴ و ۲۱۵) روح‌الله حسینیان در کتاب *نقش فدائیان اسلام در تاریخ معاصر ایران* معتقد است که فدائیان اسلام دنبال رژیم خاصی نبودند بلکه به دنبال این بودند که کارگزاران رژیم را به عمل کردن به احکام اسلام دعوت کنند تا با تحول درونی، جزئی از حکومت اسلامی شوند. (حسینیان، ۱۳۸۴: ۱۰۱) سیده‌محمدعلی حسینی‌زاده در کتاب *اسلام سیاسی در ایران می‌نویسد: «فدائیان اسلام نخستین گروهی بودند که اجرای احکام اسلامی و ایجاد حکومت اسلامی را به عنوان هدف خود اعلام کردند.»* (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۷) رسول جعفریان در کتاب *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران* اعتقاد دارد که فدائیان اسلام، اسلام را آئینی می‌دانستند که برای همه ابعاد زندگی انسان برنامه دارد و می‌تواند یک تمدن انسانی بزرگ را ایجاد کند. (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۴۳) داود فیروزی در کتاب *فقہ و سیاست در ایران معاصر: تحول حکومت‌داری و فقہ حکومت اسلامی* بر این باور است که آرمان فدائیان اسلام در جامعیت برنامه سیاسی اسلام خلاصه می‌شود. (فیروزی، ۱۳۹۴: ۱۴۶) سیده‌هادی خسروشاهی در کتاب *مبانی فقهی-فکری مبارزات فدائیان اسلام*، اقدامات این جمعیت را جهاد دفاعی دانسته است و از شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، شیخ طوسی، علامه حلی، امام خمینی (ره) و... استدلال فقهی می‌آورد. (خسروشاهی، ۱۳۹۵: ۱۷ و ۱۸)

۳. چارچوب نظری

۳.۱. نظریه ادواری جنبش‌های اسلامی

چگونگی پیدایش جنبش‌های اسلامی و از جمله جمعیت فدائیان اسلام، موضوعی است که با توجه به قدمت، گستردگی و تکرار این جنبش‌ها در جهان اسلام، نظر بسیاری از اندیشمندان را جلب کرده است که نتیجه آن پدید آمدن آثار علمی و نظریه‌هایی در این باره است. یکی از این تلاش‌ها مربوط به ریچارد هریر دکمجیان^۱، استاد علوم سیاسی دانشگاه دولتی نیویورک در کتاب *اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی در جهان عرب* (۱۳۷۷)، است. وی در این اثر «نظریه ادواری جنبش‌های اسلامی» را جهت تبیین چگونگی شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی ارائه می‌دهد. از نظر او جنبش‌های اسلامی پدیده‌ای جدید نیستند و در همه دوران تاریخ اسلام حضور داشتند. از نظر دکمجیان، برای بررسی همه جانبه جنبش‌های اسلامی، باید به زمینه‌ها و ریشه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن جامعه توجه کرد. او ظهور رهبر کارزماتیک و جوامع دچار آشفتگی عمیق را شروط قدرت گرفتن این جنبش‌ها می‌داند. او جهان اسلامی را محیط بحران عنوان می‌کند شش عامل را موجب شکل‌گیری آن و در نتیجه واکنش آن و ظهور جنبش بنیادگراانه بیان می‌کند. (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۲۴-۲۸ و ۵۶-۶۹) این عوامل عبارتند از:

۱- بحران هویت: شکست و زوال مسلمانان در قرون اخیر، بحران هویت فردی و جمعی را برای آن‌ها پدید آورد. در نتیجه اسلام مقابل قدرت نظامی و ایدئولوژیک غرب به حالت تدافعی در آمد و ایدئولوژی‌های رقیب مثل ملی‌گرایی برای آن چالش آفریدند.

۲- بحران مشروعیت: که نتیجه بحران هویت است و شکست نخبگان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر شدت بحران مشروعیت می‌افزاید.

۳- آشوب و فشار: فساد حکومت باعث افزایش انتقادات شده است در نتیجه حکومت مخالفان خود را سرکوب می‌کند.

۴- تضاد طبقاتی: نخستین نتیجه فساد، توزیع ناعادلانه ثروت و افزایش تضاد طبقاتی است.

۵- ضعف نظامی: که هنگام شکست مقابل بیگانگان و حضور قدرت‌های خارجی در سرزمین خود را نمایان می‌سازد.

^۱ Richard Hrair Dekmejian

۶- بحران فرهنگ: که نتیجه تقابل سنت گرایان با حاکمان سکولار است. سنت گرایان فناوری غربی را پذیرفته ولی ارزش‌های غربی را رد می‌کنند. حاکمان سکولار در مقابل با بی‌توجهی به ارزش‌های اسلامی، به این بحران دامن می‌زنند. (دکمجیان، پیشین: ۲۸ و ۲۹)

او می‌گوید جنبش‌های اسلامی به این بحرانها بدین صورت پاسخ می‌دهند: ۱- ظهور رهبری خردمند و کاریزماتیک متعهد به تغییر و تحول انقلابی در جامعه ۲- طرح ایدئولوژی مبتنی بر منجی باوری ۳- استفاده از طبقات اجتماعی که مستعد پذیرفتن این جنبش‌ها می‌باشند ۴- بوجود آمدن جنبش و شخصیتی بنیادگرا که تحت تاثیر محیط بحران و ایدئولوژی‌های بنیادگرایانه می‌باشد. ۵- رفتاری اسلامگرایانه و پیکارجویانه ۶- واکنش سخت حکومت که غالباً به حذف این گروهها منجر می‌شود. (همان: ۲۶-۲۸)

۳،۲. اندیشه سیاسی

چگونگی تکوین اندیشه سیاسی جنبش‌های اسلامی و از جمله جمعیت فدائیان اسلام که به کنش سیاسی نیز منجر می‌شود، مستلزم تبیین است. ابتدا تعریفی کلی از اندیشه سیاسی تقدیم می‌کنیم: اندیشه سیاسی کندو کاوی ذهنی و تفکر انسجام یافته در باره موضوعات سیاسی یا مرتبط با سیاست است. این کنکاش در محیطی واقعی که جامعه نام دارد به انجام می‌رسد، از این رو اعضای جامعه هر کدام می‌توانند بالقوه یکی از کسانی باشند که قبل از هر کنش سیاسی، برای حل یک مشکل و یا حتی توصیف و داوری در باره یک موضوع، با روش و سازوکار علمی متناسب و روشمند در باره موضوع مورد نظر بیاندهند و آن را واکاوی کنند. یکی از دلایل این گستره، ظرفیت نقش سیاست در پیوند افراد جامعه به یکدیگر است. اما دلیل مهمتر اینکه سیاست، موضوعات دیگری که شهروندان ممکن است به آن تعلق خاطر داشته باشند را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ موضوعاتی مثل فرهنگ، اخلاق، دین، اقتصاد که اگر با سیاست پیوند بخورند، تاثیرشان در جامعه به مراتب بیشتر خواهد بود. بدین ترتیب اندیشه سیاسی، تلاشی ذهنی است که یک ضلع آن سیاست است و ضلع دیگرش موضوعات متبالبه جامعه که نتیجه ممکن است به راه‌حلهایی نیز بیانجامد یا توصیفی و داوری از یک پدیده انجام شود.

البته متفکران حوزه سیاست، دیدگاه‌های مختلفی و حتی متضادی در این باب دارند اما به نظر می‌رسد که لئو اشتراوس، واقع‌بینانه‌ترین دیدگاه را ارائه کرده است، زیرا مرز بین اندیشه سیاسی و

فلسفه سیاسی را که در برخی تعاریف نادیده انگاشته می شود، مشخص کرده و آن را به صورت منطقی تبیین می کند. به نظر وی اندیشه سیاسی نوعی تامل یا ارائه تفسیر درباره آزای سیاسی می باشد. از نظر او هر گونه تامل درباره مسائل سیاسی، اندیشه سیاسی است. (میرخلیلی، ۱۳۸۷) وی معتقد است که اندیشه سیاسی، لزوماً به دنبال آن نیست که با بهره گیری از روش های خاص به معرفت درست برسد و معرفت حقیقی درباره سیاست را جانشین گمان سیاسی سازد؛ کاملاً برخلاف فلسفه سیاسی که داعیه حرکت از گمان سیاسی به سوی معرفت درست را دارد؛ اما اندیشه سیاسی، در روند تاریخی خود ممکن است به کنش سیاسی منجر می شود. (همان)

۴. پیدایش فدائیان اسلام به عنوان یک جنبش اسلامی

چگونگی پیدایش جمعیت فدائیان اسلام، از منظرهای مختلف، مورد کنکاش واقع شده که در قسمت پیشینه پژوهش به آثار مربوط اشاره شد. اما طبق آنچه که دکمچیان در نظریه اش تحت عنوان ادواری جنبش های اسلامی می گوید، به نظر می رسد که در پیدایش فدائیان اسلام، مراحل زیر به انجام رسیده است:

الف) بحران هویت: نیروهای مذهبی در جامعه ایران پس از انقلاب مشروطه، چه مشروعه خواهان پس از اعدام شیخ فضل الله نوری و چه مشروطه خواهان پس از شکست از رضاشاه، سرخورده شده بودند. در عصر رضاشاه، علاوه بر هجوم دولت وی به احکام اسلام، احمد کسروی پاکدینی را پدید آورد که به احکام اسلام و مقدسات تشیع آشکارا توهین می کرد و کتب مقدس را می سوزاند. اوج فعالیت ضد مذهبی وی در کتاب شیعیگری بود. (حسینی زاده، پیشین: ۱۲۴) کسروی شیعیان را دچار بحران هویت کرد. او آنان را متهم به عامل گرفتاری در ۱۳۰۰ طی سال گذشته می کرد و نتیجه می گرفت شیعیان هیچ علاقه ای نسبت به پیشرفت کشور خود یا استقلال از دست بیگانگان ندارند. کم کم او اصل تشیع را نیز زیر سوال برد. کسروی به روحانیون بی محابا حمله می کرد و آنان را متهم می کرد که مردم را به وادی گمراهی کشانده اند. او حرم ساختن شیعیان برای ائمه (علیهم السلام) را مصداق بت پرستی عنوان می کرد. کسروی دست به تمسخر شفاعت می زد و زیارت معصومین (علیهم السلام) را کیش شخصیت امامان شیعه و فرد پرستی بیان می نمود. وی صراحتاً در شیعیگری، به جدال با امامت برخاسته و شیعه امروز را شیعه حکومت صفوی تفسیر می کرد. کسروی صراحتاً به امامان شیعه (ع) و حضرت

زهر (س) توهین می‌کرد، عصمت معصومین، وجود امام زمان (عج) و غیبت ایشان را رد می‌کرد. (رهنما، ۱۳۸۱: ۲۸-۳۱) البته روحانیون شیعه نیز بیکار نشستند. مهم‌ترین آنان حاج سراج انصاری بود که در مقابله با کسروی و «باهماد آزادگان»^۱، اتحادیه مسلمین و نشریه مسلمین را راهاندازی کرد و به مبارزه فرهنگی با او پرداخت. (جعفریان، پیشین: ۶۴ و ۶۵) کتب زیادی در رد افکار کسروی نوشته شد که یکی از آنها، *آتش انقلاب* از شیخ قاسم اسلامی بود. (همان: ۶۸۴: پاورقی). همچنین آیت‌الله سیدنورالدین شیرازی نیز کتاب *شکست کسروی را در مقابله با* شیعیگری نوشت. (همان: ۱۳۶) البته کسروی گروهی همراه خود داشت که آنان را رزمنده می‌نامید. این گروه مخالفانش را کتک می‌زد مانند: مدیر روزنامه آفتاب. (گل‌سرخ کاشانی، پیشین: ۲۳۹۹)

در این شرایط نواب صفوی فدائیان اسلام را تاسیس کرد و دست به اعدام انقلابی کسروی زد که برایش محبوبیت پدید آورد. چنانچه که در پیشینه پژوهش آورده شد، علت تاسیس فدائیان اسلام وجود تفکرات کسروی در جامعه بود. کسروی با توهین به مقدسات تشیع، شیعیان را به ستوه آورد و اعدام انقلابی او به آن‌ها آرامش داد. همچنین در مقابل فعالیت‌های خشن حزب توده، جامعه آن روز وجود یک تشکل که با کمونیست‌ها مقابله کند را لازم می‌دید. این چنین بود که فدائیان اسلام در جامعه وقت رشد کرد.

ب) بحران مشروعیت: رضاشاه، پس از کودتای ۱۲۹۹، با گرایش ظاهری به انجام مناسک مذهبی مثل شرکت در مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله (ع) و در کنار آن اقداماتی در جهت ایجاد امنیت، توانست اعتماد برخی اقلشار مذهبی و برخی روحانیون را جلب کند. او در بالا رفتن از نردبان قدرت با کمک روشنفکرانی چون علی اکبر داور، عبدالحسین تیمورتاش و محمد علی فروغی، به تدریج ماهیت فرصت طلبی و ضد مذهبی خویش را آشکار کرد، چنان پیش رفت که نه تنها مناسک مذهبی را انجام نمی‌داد، بلکه علیه هرچه ظواهر و مبانی دینی بود، اقدام کرد در مرحله ای از این اقدامات، قانون کشف حجاب را در مجلس فرمایشی به تصویب رساند و با خشونت به اعمال آن اقدام کرد (حسین بر و حسنی فر، ۱۳۹۶: ۵۱) او پس از اینکه علیه احکام اسلام اقدام کرد، مردم از برنامه‌های ضداسلامی او استقبال نکردند که در نتیجه بحران مشروعیت،

۱. «باهماد آزادگان» نام گروهی از هواداران احمد کسروی است که در حیات او و پس از آن در راه اشاعه اندیشه‌هایش، موسوم به «پاک‌دینی» فعالیت می‌کردند.

در جامعه ایجاد شد.

ج) تضاد طبقاتی: پس از اشغال ایران توسط متفقین، ارزش پول ملی نصف شد، تورم بسیار افزایش یافت و بر اقتصاد اثر بسیاری نهاد و مردم فقیر ایران را فقیرتر کرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۷۷ و ۱۷۸)

تاکید نواب صفوی بر عدالت، کار کردن برای فقرا و تعدیل ثروت ثروتمندان برای همین امر بود.

د) فشار و سرکوب: قتل علمایی همچون مدرس در دوره رضاشاه و سرکوب مذهبی‌ها، فضای سنگینی علیه نیروهای مذهبی به وجود آورده بود. در آن عصر سیاست‌های ضد مذهبی با خشونت به اجرا در می‌آمد. این خشونت‌ها فقط به مذهبها محدود نمی‌شد، بلکه به همه گروه‌های مرجع، چه مذهبی و چه غیر مذهبی کشیده شد و حتی به به روشنفکرانی که رضا شاه را روی کار آورده بودند نیز رحم نشد. تیمور تاش و نصرت الدوله فیروزو و سردار جعفر قلی بختیاری به

قتل رسیدند و علی اکبر داور از ترس رضا شاه خودکشی کرد. (حسینی‌زاده، پیشین: ۱۲۲)

ه) ضعف نظامی: با اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ارتش رضاشاه که بسیار روی قدرتمندی آن تبلیغ می‌شد به راحتی شکست خورده بود و نظامیان متفقین در ایران حضوری تحقیر کننده داشتند. مردم هم از نظامیان خارجی و رفتارهای آنان متنفر بودند. سران متفقین، بدون اجازه و حتی بدون اطلاع مقامات ایران در سال ۱۳۲۲ وارد تهران شدند و به دیدار شاه ایران هم نرفتند و کنفرانس تهران را تشکیل دادند.

و) بحران فرهنگ: سیاست‌های فرهنگی دولت پهلوی طی بازه زمانی ۱۳۰۴-۱۳۲۴ و مهمتر از همه چیز، ظهور پدیده احمد کسروی در مبارزه با اسلام و مذهب شیعه، یکی دیگر از عوامل اصلی پیدایش فدائیان اسلام بود. همچنین باید حزب توده را نیز اضافه کرد زیرا در دوره‌هایی که فضای باز سیاسی وجود داشت، این حزب، بنیادهای فرهنگ اسلامی-ایرانی را مورد تهاجم قرار داده بود.

این بحران‌ها با رهبری کاریزماتیک شخص نواب صفوی، اعتقاد فدائیان اسلام به «اعلیحضرت پادشاه غائب جهان وجود مقدس امام زمان(عج)» (خسروشاهی، پیشین: ۱۵۰) و شخصیت جوانان مذهبی جنوب شهر تهران پیوند خورد و یک جنبش اسلامی را در ایران به وجود آورد که خود بعدها الگویی برای انقلابیون درگیر در نهضت امام خمینی شدند.

۵. اندیشه سیاسی فدائیان اسلام

جمعیت فدائیان اسلام توسط سیدمجتبی نواب صفوی در سال ۱۳۲۴ تاسیس شد. (کارگر جمهوری، ۱۳۹۲: ۶۲) او طلبه جوانی بود که تا کفایه خوانده بود و از شاگردان علامه امینی(ره) بود.

(حسنی فر، ۱۳۸۹: ۴۰) او خود را مجتهد متجزی عنوان می‌کرد. (گلسرخی کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۹۸۹) اکثر اعضای این جمعیت از طلاب و کاسبان خرده پا بودند. (فیرحی، پیشین، ۱۴۰: پاورقی) فدائیان اسلام نخستین تشکلی بودند که شعار حکومت اسلامی سر دادند. (حسینی زاده، پیشین: ۱۷۵) این جمعیت در تاریخ معاصر ایران بیشتر به اعدام‌های انقلابی خود مشهور است که سرنوشت نهضت ملی شدن نفت را تغییر داد به طوری که از سوی عزت‌اله سبحانی، فعال سیاسی مصداق بازوی عملی نهضت ملی خوانده شد. (حجتی کرمانی، ۱۳۸۷: ۱۴۹) نواب صفوی، مردی کاریزماتیک بود که با استفاده از این خصلت خود توانست وفاداری بین اعضای فدائیان اسلام ایجاد کند. (عنایت، پیشین: ۱۷۰) به طوری که از سوی بعضی هوادارانش، احتمال «سید حسنی» بودن او می‌رفت. (عبدخدایی، ۱۳۸۹: ۴۰) همچنین کتاب رهنمای حقایق یا مانیفست فدائیان اسلام را او نوشت. (منظورالاجداد، ۱۳۷۹: ۱۹۸) بنابراین نواب علاوه بر رهبری جمعیت فدائیان اسلام، نقش ایدئولوگ را در آن جمعیت نیز برعهده داشت. پس برای به دست آوردن اندیشه سیاسی جمعیت فدائیان اسلام، علاوه بر رهنمای حقایق باید به سخن، اندیشه و عمل شهید نواب صفوی هم مراجعه نمود. گفتنی است از ارتباط ویژه نواب صفوی با علمای مکتب تفکیک مثل علامه امینی، شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی (عنایت، پیشین: ۱۷۱)، شیخ هاشم قزوینی (بهبودی، ۱۳۹۰: ۶۴)، میرزا جواد تهرانی، شیخ غلامحسین محامی بادکوبه‌ای (مهدوی، بدون تاریخ در حسینی، ۱۳۹۱: ۹۲۲) و شیخ غلامحسین تبریزی (عبدخدایی، ۱۳۹۶: ۳۱)، این چنین برمی‌آید که احتمالاً نواب صفوی هم نیز یک مکتب تفکیکی بوده است. از تاکید او بر آیات قرآن هم این چنین بر می‌آید چرا که بیان معارف قرآن در مکتب تفکیک اصلی‌ترین عنصر است. (حکیمی، ۱۳۸۲: ۱۶۲)

۶. تحلیل کنشهای سیاسی و عملی فدائیان اسلام

فدائیان اسلام جهت تحقق اندیشه سیاسی خویش، به کنشها و رفتارهایی دست می‌زدند که در توجیه و تبیین این کنشها، مبانی فکری و چرایی تشکیل این جمعیت روشن می‌شود. در زیر به موارد مهم اقدامات آنها و مبانی فکری و اعتقادیشان، می‌پردازیم:

۶.۱. اعدام انقلابی به مثابه دفاع

علت اعدام انقلابی احمد کسروی به خاطر توهینهای وی به مقدسات و ائمه معصومین (ع) بود که نواب با حکم ارتداد وی از نجف به تهران آمد. (فراستی، پیشین: ۲۲۳) پس از بحث نواب با

کسروی و ناامید شدن از اصلاح او، نواب خود راسا اقدام به حذف کسروی می‌کند که ناکام می‌ماند. وی پس از آزادی از زندان، با صادر کردن اعلامیه موسوم به «دین و انتقام»، فدائیان اسلام را تاسیس می‌کند و در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴، کسروی در دادگستری تهران، اعدام انقلابی می‌شود. (همان: ۲۲۴) بنابراین دلیل اعدام انقلابی کسروی، بحث سب النبی و ارتداد بود.

اما علت دیگر اعدام‌های انقلابی فدائیان اسلام با اعدام انقلابی کسروی متفاوت بود. هژیر در جریان انتخابات مجلس شانزدهم تقلب کرده بود. (همان: ۲۳۰) رزم آرا نیز مانع ملی شدن صنعت نفت بود. (شاهدی، ۱۳۸۴: ۳) حسین علا هم می‌خواست ایران را به پیمان نظامی بغداد ملحق کند و نواب می‌خواست مانع این کار شود. (فراتی، پیشین: ۲۴۰) استدلال فدائیان اسلام برای این اقداماتشان، دفاع و جهاد دفاعی بود که از واجبات دین اسلام و مذهب تشیع است. چرا که «بر طبق تعالیم اسلام، نخستین وظیفه مسلمان، دفاع از دین و ناموس خود است و حفظ دین و عفت، مقدم بر حفظ جان است و اگر مدافع در این راه جان داد، به وظیفه عمل کرده و ماجور است.» (منظورالاجداد، پیشین: ۲۰۸) و «جهاد دفاعی یا دفاع در همه ازمه واجب و فطری است. اسلام می‌گوید... زمانی که به جان مسلمان هجوم شد بایستی به دفاع پردازد. و تا موقعی که دین و ناموسش به خطر نیفتاده باشد و آن هنگامی که دین و ناموس فرد یا اجتماعی در معرض هجوم واقع شد بایستی جان و مال را در این راه فدا نمود.» (خسروشاهی، ۱۳۷۵: ۸۸ و ۸۹) نواب صفوی مخالف استفاده کلمه ترور برای اقداماتشان بود. او پس از آزادی از زندان مصدق به خبرنگار مجله ترقی گفت: «کلمه ترور اصولاً در جایی استعمال می‌شود که مناسب با جهاد و فداکاری فردی و اجتماعی نیست و فداکاری‌های اجتماعی و فردی فرزندان اسلام که بی محابا در راه خدا علناً جان‌بازی می‌کنند جهاد دفاعی است.» (خوش نیت، ۱۳۶۰: ۹۲) البته فدائیان اسلام پیش از هر اقدام، به طرف مقابلشان هشدار می‌دادند. (گل‌سرخ‌چی کاشانی، پیشین: ۲۰۲۱) نواب صفوی در بازجویی‌هایش با قسمت کردن احکام به دو شاخه «احکام ضروری» و «احکام اختلافی»، دفاع را از ضروریات و مثل نماز و روزه واجب می‌دانست. وی درباره فتوا گرفتن از مجتهد گفت: «مجتهد مسلم هم در ضروریات فتوا نمی‌دهد و در ضروریات فقط بیان حکم کلی برای هر مکلفی می‌شود و تشخیص مصادیق یا موضوعات به عهده مکلف است.» (همان: ۱۹۹۱) البته نواب از قتل اکراه داشت مگر اینکه کارد به استخوان برسد. (حسنی‌فر، پیشین: ۵۰)

نواب صفوی استدلال خود در خصوص دفاع کردن را این چنین در بازجویی‌های خود بیان

می‌کند: «از این نظر که سالیانی است احکام اسلام به تمامه پایمال می‌گردد و انواع هجوم‌ها از طرف حکومت‌های مدعی اسلام که بر طبق قانون اساسی و بالاتر از آن بر طبق قرآن و فرمان خدا بایستی احکام اسلام را مو به مو به مورد اجرا گذارند شروع گردیده در تمام هیئت‌های حاکمه تا وقتی احکام اسلام اجراء نگردیده عملاً پایمال گردد مهاجم به اسلام هستند و از نظر حکم کلی و ضروری دفاع در اسلام دفاع از اسلام علیه مهاجم واجب است و هر مکلف مطلعی بایستی دفاع کند ... و تمامی هیئت حاکمه گرداننده مملکت اسلامی مسئول و مهاجم خاصه کسی که در رأس قوه مجریه قرار دارد و بایستی حکم خدا را در تمام شئون مملکت اجراء کند و به عکس پایمال کرده هجوم نموده است» (همان: ۱۹۹۳) وی در ادامه بیان کرد: «و شخص آقای علاء که هیچگونه خصومت شخصی با ایشان نداشته و ندارم تا وقتی که احکام خدا را اجراء نکنند تا این وضع خاتمه یافته این شکاف‌ها از بین مسلمین و حکومتشان رخت بر بندد و نوبت به این اختلافات و حتی این گونه مجالس نرسد.» (همان)

۶.۲. ترساندن دشمنان

نواب صفوی هنگام تفسیر آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (سوره مبارکه انفال آیه ۶۰) روی عبارت ترهبون تاکید داشت و می‌گفت: «خدا می‌فرماید امکانات را فراهم کنید برای ... ترساندن دشمن. خدا نمی‌فرماید تقتلون به... مسئله قتل کشتن دشمن هدف نیست. هدف ترساندن دشمن است. به خاطر همین هم که گاهی ناچار شدیم افرادی را بکشیم.» (حسنی‌فر، پیشین: ۵۰) نواب به این هدف خود رسید چرا که «وحشتی در ارکان حکومت پدید آورد.» (مدنی، ۱۳۶۲: ۱۷۵) این امر به اندازه‌ای بود که با حسن صباح مقایسه می‌شد و نامش «پشت خائنان به دین و وطن را می‌لرزاند.» (حکیمی، ۱۳۸۹: ۳۵) و فدائیان اسلام «عرشه بر جان حکومت طاغوت انداخته بودند.» (آیت، ۱۳۶۲: ۲۸)

۶.۳. تاکید بر کارگزار به جای ساختار

در کتاب رهنمای حقایق که مانیفست و برنامه حکومتی فدائیان اسلام است، هیچ ساختار جایگزینی برای آنچه که وجود دارد یعنی نظام سلطنتی پهلوی ارائه نمی‌شود بلکه سعی می‌شود با مطرح کردن مباحثی مثل خواندن نماز جماعت، اذان گفتن، مسلمان بودن نمایندگان پارلمان و کارگزاران، قائل شدن مقام پدری برای شاه (خسروشاهی، ۱۳۷۵: ۲۷۷) و مواردی از این قبیل، رفتار حکومت، اصلاح و اسلامی شود. نواب علیرغم اینکه با شخص پهلوی دوم مخالف بود و

مشکل را تنها در وجود او می‌دید (امینی، ۱۳۹۳: ۲۰)، هیچگاه اصل سلطنت را رد نکرد. (گلسرخی کاشانی، پیشین: ۲۲۶۹) اعدام‌های انقلابی هم موید این امر است چرا که این عمل «زمانی قابل طرح و فهم است که فساد دولت نه در ساختار که در اراده تک تک حکمرانان دیده شود.» (فیرحی، پیشین: ۱۵۲)

۶.۴. اسلامگرایی

اسلامگرایی که اسلام سیاسی نیز خوانده می‌شود، گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد. اسلام سیاسی برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام و اصول اسلامی هستند. (سعید، ۱۳۷۹: ۲۰) نواب صفوی نیز به معنای واقعی کلمه یک اسلامگرا بود و بر ضرورت حکومت اسلامی و اجرای احکام شریعت تاکید داشت چرا که اجرای آنان را ضامن سعادت بشر می‌دانست. از نظر رهبر و ایدئولوگ فدائیان اسلام، تنها راه نجات ایران، رو آوردن مردم و حکومت به اسلام و قرآن بود. (حسینیان، پیشین: ۱۰۱) او در رهنمای حقایق نوشت: «ایران مملکت اسلامی است. بایستی احکام اسلام اجراء شود. اگر اجراء می‌شد، محیط ایران از بامداد روزهای عمر خویش تا به شام نورباران بود.» (خسروشاهی، پیشین: ۲۰۰) او در بازجویی‌هایش گفت که دین از سیاست جدا نیست و «سیاست به معنی تدبیر امور اجتماع را از مذهب متمایز نمی‌دانم.» (گلسرخی کاشانی، پیشین: ۲۲۶۱) فدائیان اسلام «شعار اسلام باید زنده شود» و «اسلام باید حکومت کند» را مطرح کردند. (حسینی زاده، پیشین: ۱۷۷) اسلامگرایی نواب صفوی تا آنجا امتداد داشت که وی با اینکه معتقد بود انتخابات باید آزاد باشد (فیرحی، پیشین: ۱۶۷) شدیداً مخالف قانونگذاری بود و پارلمان را تنها نهادی مشورتی و برای پیدا کردن راه ارتقاء ملت مسلمان ایران آن هم تحت نظر روحانیت می‌دانست. (خسروشاهی، پیشین: ۲۸۳) البته لازم به ذکر است که نواب صفوی، بین وطنخواهی با اسلامگرایی تضادی نمی‌دید اگرچه می‌گفت اسلام با ملیگرایی کور مخالف است. او به خبرنگار پاکستانی گفت: «بی‌تردید اگر روزی بین اسلام و ملیگرایی تعارضی پیش بیاید، ما راه اسلام را پیش خواهیم گرفت.» (خسروشاهی، ۱۳۸۶: ۲۱) لازم به ذکر است شعارهای رسمی فدائیان اسلام دو شعار بود: ۱- همه کار و همه چیز تنها برای خدا ۲- اسلام برتر از همه چیز و هیچ چیز برتر از اسلام نیست. (جعفریان، پیشین: ۲۴۵)

۶.۵. سوسیالیسم اسلامی

نواب دولت را در جامعه محور قرار داده بود بنابراین به نوعی از سوسیالیسم اسلامی به معنای تصدی‌گری دولت اعتقاد داشته است. در رهنمای حقایق بین نسبت درآمد و تخصص ارتباطی نیست بلکه به موازنه درآمد و احتیاجات ضروری کارمندان توجه شده است. دادن طرح صندوق اعانه که بودجه آن از زکات، صدقه و خمس بر ثروتمندان تامین می‌شد، نشانگر یک سوسیالیسم اسلامی و شیعی در تفکر فدائیان اسلام است. (فیرحی، پیشین: ۱۵۸) البته باید این نکته را به خاطر داشت که استفاده از واژه سوسیالیسم اسلامی برای نظرات اقتصادی فدائیان اسلام، موجب کژتابی و سوءتفاهم ممکن است بشود.

۶.۶. تعامل بین احکام اسلامی و دولت مدرن

نواب صفوی در بخشی از بازجویی‌هایش علت نوشتن رهنمای حقایق را این چنین بر می‌شمارد که: «قبل از هر چیز هدف اجرای احکام اسلام است به این تفصیل و اگر گمان می‌کنید با تشکیلات امروز اجرای احکام اسلام منافات دارد و منطبق نمی‌شود، خیر منافات ندارد و منطبق می‌شود... مقصود ما انطباق احکام اسلامی با تشکیلات روز است.» (گل‌سرخ کاشانی، پیشین: ۲۱۲۵) چنین به نظر می‌رسد که مراد از تشکیلات روز همان دولت مدرن است که از دوره رضاشاه در ایران ایجاد شد ولی فدائیان اسلام مبانی فکری و نظری این دولت را که مبتنی بر سکولاریسم و اساساً ضد مذهب بود، قبول نداشتند و می‌خواستند ضمن حفظ و تداوم نوسازی و پیشرفت، از مبانی دینی و اسلامی در این روند استفاده و احکام اسلام را پیاده کنند.

۶.۷. نظام تعلیم و تربیت دینی

برنامه فدائیان اسلام برای آموزش و پرورش، آموزش اجباری و همگانی دبستان و دبیرستان و همچنین ترکیب متناسب آموزش‌های نظری و مهارت عملی در دبیرستان بود (فیرحی، پیشین: ۱۵۹) از نظر آنان در کلاس‌ها نباید اختلاط دختران و پسران باشد و معلم مرد برای مدرسه دخترانه تعیین نشود و برعکس. نظام دبستان‌ها باید پنج کلاس باشد و در کتاب‌های درسی ادبیات، مثل‌های اخلاقی به کار رود و «به جای دروس غلط و غیرمشروع، دروس دینی قرار دهند.» در نظام دبیرستان‌ها هم از سال اول دروس باید تخصصی شود و نیمی از کلاس‌ها به دروس عملی اختصاص یابد تا در پایان دبیرستان، دانش‌آموز یک فن آموخته باشد. (خسروشاهی، پیشین: ۲۲۰ و ۲۲۱)

در دانشگاه‌ها هم «با آن روش صحیح و کاملی که در دوره دبیرستان عملی می‌شود، دانشگاه بایستی

دوره نهایی و عالی دکتری و اجتهاد و استنباط علوم قرار گیرد.» (همان: ۲۲۳) فدائیان اسلام طرح اسلامی سازی دروس دانشگاه‌ها ارائه دادند. (فیرحی، پیشین: ۱۵۹) نواب صفوی معتقد بود که پیشرفت غرب به خاطر آن است که روش‌ها را از تمدن اسلامی گرفته است. (جعفریان، پیشین: ۲۴۳) بنابراین از نظر فدائیان اسلام نظام آموزش عالی هم باید از اسلام گرفته شود.

۶.۸. مخالفت با مشروبات الکلی، بی‌حجابی و موسیقی

نواب صفوی هنگامی که دید آرمان‌های مد نظر او در رهنمای حقایق در دولت مصدق اجرا نمی‌شود، از آن‌ها عقب نشینی کرد و فقط سه خواسته داشت: ممنوعیت مشروبات الکلی، منع بی‌حجابی و ممنوعیت موسیقی (حسینی‌زاده، پیشین: ۱۷۶) در رهنمای حقایق هم بسیار با این مسائل مخالفت شده است. (خسروشاهی، پیشین: ۲۳۵ و ۲۳۶) به عبارتی دیگر حداقل خواسته‌های او از همه دولت‌ها منع این سه مورد بود.

۶.۹. اصلاح نهاد دین

نواب صفوی در رهنمای حقایق اصلاحات خود را از روحانیت به عنوان نهاد دین شروع می‌کند. وی ابتدا از مراجع تقلید شروع می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که حوزه‌های علمیه را از روحانی‌نمایان پاکسازی کنند. سپس به طبقه بندی کردن دروس حوزوی و تخصصی کردن آن‌ها می‌پردازد و طرح طبقه بندی کردن مبلغین به روضه خوان، مداح و واعظ را ارائه می‌دهد. نواب به دنبال اصلاح عزاداری‌ها و خرافه‌زدایی از آن‌ها هم بود. او پیشنهاد تشکیل سازمان امر به معروف و نهی از منکر و نیز تاسیس صندوقی برای جمع آوری حقوق شرعیه و فعالیت اقتصادی برای تامین احتیاجات طلاب را ارائه می‌دهد. (حسینیان، پیشین: ۱۰۱ و ۱۰۲) وی اصلاح نهاد دین و سپس دربار و وزارتخانه‌ها را راه حل مفاسد کشور می‌داند. (همان)

۶.۱۰. آرمانشهر اسلامی

نواب صفوی در رهنمای حقایق، آرمانشهر مد نظر فدائیان اسلام را به تصویر می‌کشد. در این آرمانشهر احکام اسلامی اجرا شده و به جای آنکه به سوئیس آسیا تبدیل شود، بهشت جهان خواهد شد. او می‌گوید: «ایران به گفته بعضی کوه نظران سوئیس آسیا خیر، بلکه با پایه‌های بلند معارف قرآن و اشعه نور دانش محمد(ص) و آل محمد(ع) بهشت جهان می‌شود.» (خسروشاهی، پیشین: ۲۰۰)

۶.۱۱. عدالت‌گرایی و کمک به محرومین

عدالت در اندیشه نواب جایگاه ویژه‌ای دارد. نواب پس از تصویب شدن اعدام انقلابی رزم آرا، به

اعضای جبهه ملی اعلام می‌کند که اگر تصمیم دارید برای مردم خدمتی انجام دهید، یک حکومت که در آن عدالت باشد به وجود بیاورید وگرنه اگر نمی‌توانید، بگویید ما صف‌هایمان را از هم جدا کنیم. (عراقی، ۱۳۷۰: ۷۵) او در دیداری به آیه‌الله کاشانی گفت: «باید یک تعدیلی در ثروتمندان به وجود بیاید. یک کسی به این بدبختی نباشد یک کسی آن جوری. باید برای این‌ها کاری کرد.» (همان: ۷۶) او دولت زاهدی را بی‌دین می‌دانست چرا که «به فکر مردم بیکار و گرسنه نیست. خمس و زکات را از مردم ثروتمند نمی‌گیرد که خرج فقرا کند.» (منظورالاجداد، پیشین: ۲۱۸)

۶،۱۲. مبارزه با کمونیسم

نواب شدیداً با کمونیست‌ها مخالف بود. تاکید او بر مسئله فرهنگ به دلیل رخنه کمونیسم بود. (همان) فدائیان اسلام برای مبارزه با حزب توده، اتحادیه کارگران فدائیان اسلام را به وجود آوردند. (غلامی‌مقدم، پیشین: ۱۲۰) نواب در جواب به پیشنهاد همکاری با حزب توده اعلام کرد که من همان گونه که با شاه و مصدق و دیگران در جبهه‌های مختلف می‌جنگم، با کمونیست‌ها نیز سر جنگ دارم و هرگز با دشمن دین و ملت سازش نمی‌کنم. (امینی، پیشین: ۲۸۶) او در زندان به عبدخدایی گفت: «هرگاه قرار شد به نام خلق تیرباران شوم، آن وقت با توده‌ای‌ها همکاری می‌کنم.» (عبدخدایی، پیشین: ۱۴۸) علت مبارزه نکردن او با زاهدی در اوایل دولتش همین بود چرا که دست به سرکوب حزب توده زده بود. (فرازی، پیشین: ۲۳۹)

۶،۱۳. اتحاد مسلمانان

نواب به دنبال اتحاد بین مسلمانان بود و برنامه این اتحاد به این صورت بود که انجمن شورایی تشکیل شود و نمایندگانی از طرف حکومت‌ها در آن حاضر باشند. احکام این انجمن جنبه عمومی داشته و در تمام کشورهای اسلامی اجرا گردد. احکام ضروری اسلام در مذاهب اسلامی مورد اختلاف نیست طبق دستور این انجمن در تمام کشورهای اسلامی اجرا شوند. این انجمن بایستی از حقوق مسلمین دفاع کند. (امینی، پیشین: ۱۰۸)

نواب هنگامی که قرار بر امضای پیمان نظامی بغداد شد، اعلامیه داد که مصلحت مسلمین پیوستن به بلوک شرق و غرب نیست و خودشان برای حفظ تعادل نیروهای دنیا و استقرار صلح و امنیت یک اتحادیه دفاعی و نظامی تشکیل دهند. (منظورالاجداد، پیشین: ۲۲۱)

۷. نتیجه گیری:

پژوهش حاضر، بیانگر آن است که جمعیت فدائیان اسلام، در سال ۱۳۲۴ توسط طلبة جوان پیرو مکتب تفکیک به نام سیدمجتبی نواب صفوی تاسیس شد. او با اتکا به کاریزمای خود، علاوه بر رهبری نقش ایدئولوگ هم در این جمعیت برعهده داشت. پس برای به دست آوردن اندیشه سیاسی و طرز تلقی فدائیان اسلام نسبت به حکومت و سیاست علاوه بر کتاب *رهنمای حقایق* باید به اندیشه و عمل او مراجعه کرد. نواب صفوی، اعدام‌های انقلابی را به مثابه جهاد دفاعی که از ضروریات اسلام است مطرح کرد. در *رهنمای حقایق*، برنامه حکومتی فدائیان اسلام، بر رفتار اسلامی کارگزار تاکید شده که نشانگر عدم نگاه ساختاری در این جمعیت است. نواب با تکیه بر عبارت ترهون در آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال، به دنبال ترساندن دشمنان بود. او مروج تفکر اسلامگرایی بود و فدائیان اسلام شعار اسلام برتر از همه چیز است می‌دادند. فدائیان اسلام، اولین گروهی بودند که در ایران شعار حکومت اسلامی را سر دادند. در اسلامگرایی نواب، تضادی بین اسلام و وطنخواهی نیست. نواب صفوی معتقد به نوعی از سوسیالیسم اسلامی بود و در رهنمای حقایق می‌خواست انطباق اسلام با دولت مدرن را نشان دهد. فدائیان اسلام نوعی نظام تعلیم و تربیت بر مبنای دین را مد نظر داشتند و مخالفت با بی‌حجابی، مشروبات الکلی و موسیقی در اندیشه نواب جایگاه ویژه‌ای داشت. در نگاه فدائیان اسلام نهاد دین اولین جایی بود که باید اصلاح می‌شد. فدائیان اسلام در رهنمای حقایق آرمانشهر اسلامی خود را ارائه دادند. نواب به دنبال برقراری عدالت و بهتر شدن وضع فقرا بود. وی با کمونیست‌ها شدیداً مخالفت می‌کرد و به دنبال اتحاد مسلمین از راه یک شورا بود. براساس نظریه ادواری دکمجان، فدائیان اسلام یک جنبش اسلامی بودند که واکنشی نسبت به بحران‌های سیاست‌های دولت پهلوی به ویژه سیاست‌های فرهنگی پهلوی اول بودند. خصوصاً بحران هویتی که ناشی از هجوم تفکرات ضدشیعی کسروی به جامعه مذهبی کشور بود. این بحران‌ها در ترکیب با شخصیت کاریزماتیک نواب صفوی، اعتقاد فدائیان اسلام به حضرت مهدی (عج) به عنوان منجی و شخصیت مذهبی جوانان جنوب شهر پیوند خورد و اندیشه سیاسی فدائیان اسلام به وجود آمد.

البته سخن از اندیشه سیاسی فدائیان اسلام در همان چارچوب تعریف لئو اشترواس معنا می‌یابد که معطوف به کنش‌های سیاسی و عملی است و نه معرفت‌افزایی و نه آگاهی از جنس فلسفی.

از این رو ما در آن دوران شاهدیم که جمعیت فدائیان اسلام و شخص نواب صفوی کتاب رهنمای حقایق را به عنوان یک نقشه راه تلقی می‌کنند که بر اساس آن نیز کنش‌های خویش را توجیه و تبیین می‌نمایند نقطه عطف اندیشه جمعیت فدائیان اسلام که اشتباه آنان نیز تلقی می‌شود، این است که در اصلاح امور «کارگزار» اهمیت کلیدی دارد و نقش ساختار را در نظر نمی‌گیرند. این تلقی، خود تجربه گران و پرهزینه بود که البته در شیوه مبارزاتی امام خمینی اصلاح شد و ساختار وزن بیشتر از کارگزار یافت ضمن آنکه نقش کارگزار نیز در صلاح و فساد امور نادیده گرفته نشد.

فهرست منابع:

۱. آیت، سیدحسن. (۱۳۶۲). نگرشی کوتاه بر نهضت ملی ایران، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲. اکبری، علی. (۱۳۸۹). به یاری خداوند توانا، تهران: انتشارات یازدهرا(س).
۳. امینی، داوود. (۱۳۹۳). اعدام انقلابی رزم آرا به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. امینی، داوود (۱۳۸۱). جمعیت فدائیان اسلام و نقش آن در تحولات سیاسی اجتماعی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. بهبودی، هدایت‌اله. (۱۳۹۰) شرح اسم: زندگینامه آیه‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای (۱۳۱۸-۱۳۵۷). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۶. جعفریان، رسول. (۱۳۹۲). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷. تهران: نشر علم.
۷. حجتی کرمانی، محمدجواد. (۱۳۸۷). آموزگار من نواب. تهران: اطلاعات.
۸. حسنی‌فر، عبدالرحمان. (۱۳۸۹) فدائیان اسلام در کلام یاران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. حسینیان، روح‌الله. (۱۳۸۴). نقش فدائیان اسلام در تاریخ معاصر ایران. تهران: نشر شاهد.
۱۰. حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۱۱. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۸۹). ۱۵۰ سال تلاش خونین. قم: انتشارات دلیل ما.

۱۲. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۸۲). مکتب تفکیک. قم: انتشارات دلیل ما.
۱۳. خسروشاهی، سیدهادی. (۱۳۸۶). زندگی و مبارزه نواب صفوی. تهران: اطلاعات.
۱۴. خسروشاهی، سیدهادی. (۱۳۷۵). فدائیان اسلام: تاریخ، عملکرد، اندیشه. تهران: اطلاعات.
۱۵. خسروشاهی، سیدهادی. (۱۳۹۵). مبانی فقهی-فکری مبارزات فدائیان اسلام. قم: کلبه شروق.
۱۶. خوش نیت، سیدحسین. (۱۳۶۰). سیدمجتبی نواب صفوی: اندیشه‌ها، مبارزات و شهادت او. تهران: منشور برادری.
۱۷. دکمچیان، هریر (۱۳۷۷). اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی). ترجمه حمید احمدی. تهران: انتشارات کیهان.
۱۸. رهنما، علی. (۱۳۸۱). مسلمانی در جستجوی ناکجآباد: زندگینامه سیاسی علی شریعتی. ترجمه کیومرث قرقلو. تهران: گام نو.
۱۹. سعید، بابی. (۱۳۷۹). هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلامگرایی. ترجمه علیرضا جمشیدیها و موسی غبری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. عبدخدایی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). تکاپوهای آرمان‌گرایانه اسلامی: فدائیان اسلام از زبان محمدمهدی عبدخدایی. مصاحبه‌گر: داوود امینی. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۱. عبدخدایی، محمدمهدی. (۱۳۹۶). خاطرات محمدمهدی عبدخدایی. تدوین سیدمهدی حسینی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. عراقی، مهدی. (۱۳۷۰). ناگفته‌ها. تهران: رسا.
۲۳. عنایت، حمید. (۱۳۶۲). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: خوارزمی.
۲۴. فیرحی، داوود. (۱۳۹۴). فقه و سیاست در ایران معاصر: ج ۲ تحول حکومت‌داری و فقه حکومت اسلامی. تهران: نشر نی.
۲۵. کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
۲۶. گلسترخی کاشانی، محمدامین. (۱۳۹۴). جمعیت فدائیان اسلام در آینه اسناد. جلد سوم. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۷. مدنی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۶۲). تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲. قم: انتشارات اسلامی

- وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۸. ملائی توانی، علیرضا. (۱۳۸۶) درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. تهران: نشر نی.
۲۹. مهدوی، حامد. (بدون تاریخ). در حسینی، سیدسعید. (۱۳۹۱) مرزبان توحید: کارنامه محمد رضا حکیمی. و دیگران. تهران. انتشارات علمی فرهنگی الحیاء.
۳۰. حسین بر، م.، و حسینی فر، ع. (۱۳۹۶). «بررسی نقش سیاسی روحانیت در دوره رضاشاه». فصلنامه علوم اجتماعی، (۷۸)، ۳۷-۷۶.
۳۱. شاهدی، مظفر. (۲۷ دی ۱۳۸۴). «تاثیرگذار و مظلوم: روند شکل گیری و کارنامه جمعیت فدائیان اسلام». ایام: ویژه نامه تاریخ معاصر روزنامه جام جم. شماره ۱۲. ص ۲ و ۳.
۳۲. غلامی مقدم، فاطمه (۱۳۸۳) «اندیشه سیاسی فدائیان اسلام»، فصلنامه تاریخ پژوهی، شماره ۱۸. ۱۰۴-۱۲۶.
۳۳. فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۸۳) «رادیکالیسم اسلامی در ایران معاصر، شهید نواب صفوی و جمعیت فدائیان اسلام». فصلنامه ۱۵ خرداد. شماره ۲. ۲۰۷-۲۴۲
۳۴. کارگر جهرمی، وحید (۱۳۹۲) «تحلیل روابط کاشانی و نواب صفوی در پیروزی و شکست نهضت ملی ایران»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و سوم، دفتر چهارم. ۶۰-۹۰.
۳۵. ملایی توانی، علیرضا (۱۳۷۹) «آسیب شناسی یک جنبش، تاملی در اندیشه و عمل فدائیان اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی متین، شماره ۵ و ۶. ۲۸۷-۳۱۸.
۳۶. منظورالاجداد، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۹) «فدائیان اسلام». فصلنامه گفتگو. شماره ۲۹. ۱۸۷-۲۳۱.
۳۷. میرخلیلی، سیدجواد. (۱۳۸۷، ۲ آذر). «لئو اشتراوس و اندیشه سیاسی معاصر». همشهری آنلاین. بازیابی شده از: hamshahrionline.ir/xBKD